

## زبان یازدهم – درس اول

ability	توانایی / قابلیت	die out	منقرض شدن / نابود کردن
absolutely	کاملاً / مطلقاً / حتماً	difference	تفاوت / اختلاف نظر
according to	بر طبق / به گفته	disappear	ناپدید شدن / برطرف شدن
additional	اضافی / بیشتر / دیگر	endangered	در معرض خطر
almost	تقریباً	exchange	مبادله کردن / عوض کردن
around	این دور و بر / همین نزدیکی	exist	وجود داشتن / زنده بودن
at last	سرانجام	experience	تجربه / تجربه کردن
available	موجود / در دسترس	explain	توضیح دادن
based on	بر اساس / بر مبنای	explanation	توضیح / شرح
belief	اعتقاد / باور / خیال / اعتماد	farming	کشاورزی / زراعت / دامداری
besides	علاوه بر / به علاوه	favorite	مورد علاقه / مطلوب
broadcasting	پخش / اجرای برنامه	fluently	روان / با فصاحت
candle	شمع	foreigner	خارجی
century	قرن	frequently	زیاد / فراوان / به دفعات
communicate	تماس برقرار کردن / منتقل کردن / بیان کردن	grade	نمره / درجه / میزان
communication	ارتباط / انتقال	grass	علف // چمن زار
continent	قاره	greatly	بسیار زیاد / به شدت
cultural	فرهنگی	host	میزبان / مجری بودن
deaf	ناشنوا / بی اعتنا	imagine	تصور کردن / فکر کردن
despite	فرهنگ / پرورش / تربیت	institute	موسسه / انجمن / نهاد

interest	علاقه / کشش / منفعت	no matter	مهم نیست که
interesting	جالب / گیرا	nowadays	امروزه / این روزها
interestingly	جالب است که	orally	شفاهی
interview	مصاحبه کردن / مصاحبه	parking lot	پارکینگ
keep off	پرهیز کردن / وارد جایی نشدن	percent	درصد
largely	عمدتا	physical	جسمی / مادی / فیزیکی
live	زنده / روشن / سرزنده	pick	برداشتن / چیدن / انتخاب کردن
loaf	قرص نان	point	نکته / مطلب / امتیاز
luckily	خوشبختانه	popular	محبوب / رایج
make up	ساختن / تشکیل شدن	population	جمعیت
means	وسیله / راه / روش / شیوه	project	طرح / برنامه / پروژه / تحقیق
meet the needs	برآورده کردن نیازها	range	نوسان داشتن
mental	ذهنی / روانی	region	منطقه / ناحیه
mind	ذهن	scan	نگاه اجمالی انداختن
mother tongue	زبان مادری	sign	علامت / نشانه / آگهی
native	بومی / محلی	sign language	زبان اشاره
nearly	تقریبا	simply	صرفا / به سادگی
news	اخبار	skill	مهارت / تخصص

slice	تکه / ورقه / برش	area	منطقه / ناحیه / قسمت / بخش
society	جامعه	be afraid	ترسیدن / متاسفانه
space	فضا	brain	مغز
specific	خاص / اختصاصی / ویژه	certainly	مطمئناً
surprising	شگفت انگیز / تعجب آور	classmate	همکلاسی
take notice	توجه کردن	confident	مطمئن / اطمینان بخش
therefore	بنابراین	consider	در نظر گرفتن / به حساب آوردن
think of	کاری را در نظر داشتن / به فکر کسی بودن	decide	تصمیم گرفتن / تعیین کردن
to be honest	راستش را بخواهی	escape	فرار کردن
turn off	خاموش کردن	hint	توصیه / اشاره / راهنمایی
turn on	روشن کردن	improve	پیشرفت کردن / بهبود یافتن
valuable	ارزشمند / قیمتی / مفید	improvement	پیشرفت / بهبودی
vary	متفاوت بودن / فرق داشتن	item	فقره / بخش
wish	ارزو / آرزو داشتن	label	برچسب
You're welcome	خواهش میکنم	mainly	عمدتاً
access	دسترسی / ورود	mistake	اشتباه
add	اضافه کردن	make sure	مطمئن شدن
appear	ظاهر شدن / به نظر رسیدن	media	رسانه ها

<b>mention</b>	ذکر کردن / اشاره کردن
<b>necessary</b>	ضروری / لازم
<b>pack</b>	بسته / تهِ بندی کردن
<b>plenty</b>	زیاد / فراوانی / وفور
<b>quite</b>	کاملاً / واقعا / تا حدی
<b>suggest</b>	پیشنهاد کردن / توصیه کردن
<b>unit</b>	واحد / بخش / قسمت
<b>useful</b>	مفید / سودمند